

!ای مردم به هوش باشید
!موسوی نه برادر شما و نه همراه شماست

شاید برای بسیاری از شما که درگیر نبرد خونین با دشمن هستید این سخنان، سخت ناگوار آید؛ اما چشم و گوش خود را باز کنید!

میرحسین موسوی در بیانیه شماره پنج خود شما را فراخواند که "بسیجی را برادر خود بدانید" یعنی کسانی را برادر خود بدانید که بدن عزیزترین فرزندان تان را طی هفته ای که گذشت با چاقو و قمه سلاخی کرده اند. موسوی به شما گفت که "سپاه و ارتش را روبروی خود ندانید"، یعنی کسانی را دوست خود بدانید که بدستور خامنه ای سرکوب خیزش شما را بر عهده گرفته اند و جوانان ما را در گوشه و کنار کشور به گلوله می بندند
!جوانان هشیار باشید

موسوی مدعی شد که "پیام اصیل انقلاب اسلامی" شما را به حرکت در آورده است. این یک دروغ آشکار است. شما را انگیزه "تغییر وضع موجود" به حرکت در آورده است و او این را خوب می داند اما این واقعیت را می پوشاند. تغییر وضع موجود بدون سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن نیست

موسوی مدعی شد که "میراث امام روشن ضمیر" شما را به هیجان آورده است. این هم یک دروغ آشکار دیگر. چگونه ممکنست میراث "امام روشن ضمیر" که اولین حرکتش پس از رسیدن به قدرت، تیغ کشیدن به روی زنان و اجباری کردن حجاب و محروم کردن زنان از اولیه ترین حقوقشان بود؛ شما را به هیجان بیاورد؟ چگونه ممکنست میراث "امام روشن ضمیر" که برای سرکوب مردم کردستان، و خوزستان و ترکمن صحرا سپاه پاسداران گسیل داشت؛ شما را به هیجان بیاورد؟

!ای دختران و پسران شجاع به خواسته های واقعی موسوی دقت کنید

او آمده تا بار دیگر شما را "به انقلاب اسلامی آن گونه که بود و جمهوری اسلامی آن گونه که باید باشد" دعوت کند. او آمده به شما بگوید که "با نظام مقدس جمهوری اسلامی و ساختارهای قانونی آن روبرو" نیستید. باید در پی اصلاح آن . "باشید" اصلاحی با برگشت به اصول ناب انقلاب اسلامی

معنای این اصول ناب را از پدران و مادران خود بپرسید، از کسانی که همانند امروز شما، زخم هزار تازیانه و هزار خنجر بر تن دارند؛ از کسانی که شاهد دزدیدن و سریریدن یک انقلاب اصیل و مردمی بودند؛ از مادران و پدران دهها هزاران زندانی سیاسی بپرسید که قتل عام شدند؛ از مادران و پدران صدها هزار جوان بپرسید که برای هیچ و پوچ فرزندانیشان روانه کشتارگاه جنگ ارتجاعی با عراق شدند؛ از مردم کرد و ترکمن و بلوچ و عرب بپرسید که خانه و کاشانه شان به ویرانه ای بدل شد؛ از کارگران و دهقانانی بپرسید که فریاد عدالتخواهی شان به گلوله بسته شد، از زنانی بپرسید که هنوز زخم تیغ و اسید بر تن دارند و مقید به حجاب اجباری اند؛ به جامعه ای نگاه کنید که در فساد و تباهی، خرافه و جهل و تاریک اندیشی مذهبی و اعتیاد و فحشا غوطه می خورد. اینها هستند حاصل این اصول ناب. اصولی که شما علیه آن شجاعانه به پاخاسته اید. اگر موسوی برگشت به اصول ناب اسلامی را می خواهد باید برود کنار دست خامنه ای بنشیند

موسوی می گوید، "بسیاری از گرفتاری های ما از دروغ برخاسته است." اما خودش هم دروغ می گوید. او با قول تغییر در میراث سی ساله جمهوری اسلامی یعنی تغییر در وضعیت زنان و تضمین آزادی بیان رای میلیون ها نفر را به سوی خود جلب کرد. اما اکنون صحبت از میراث امام روشن ضمیر می کند. او هم مانند احمدی نژاد با رای مردم پز می دهد. دروغگویی و تقلبکاری در ذات این نظام است و آن را خمینی برای همه ادامه دهندگان راهش به ارث گذاشته است. این بخش اساسی آموزه خمینی به تمامی رهبران و گردانندگان جمهوری اسلامی از خامنه ای و رفسنجانی تا موسوی و کروبی و احمدی نژاد بود. خود موسوی در سالهای اول انقلاب نه تنها در راس بزرگترین روزنامه دروغ پرداز تاریخ ایران "روزنامه جمهوری اسلامی" قرار داشت - روزنامه ای که هر هفته تدارک سیاسی برای یورش حزب الله و پاسداران به بخشی از مردم در گوشه ای از کشور را می چید - بلکه سالها در راس دولتی قرار داشت که نوجوانان را با وعده دروغین دیدار امام زمان و رفتن به بهشت روانه میدانهای مین جنگ با عراق می کرد. یکی از دروغ های بزرگ موسوی در سال 60 نسبت دادن قیام مسلحانه سربداران در آمل به انقلاب سفید شاه بود. قیام سربداران برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و نجات انقلاب مردم به راه افتاد اما شکست خورد. اینها حقایق مستند هست که همه شما باید بدانید

در این روزهای سرنوشت ساز، علاوه بر شجاعت و پیگیری در میدان نبرد باید ذهن خود را با حقایق سی سال گذشته مجهز و تقویت کنید. این حقایق راه ما را روشن کرده و به ما قدرت بیشتری خواهد بخشید. موسوی با موعظه های مذهبی اش می خواهد ذهن جستجوگر شما را تخدیر کند. اگر این حقیقت را بدانید که دعوی موسوی و رفسنجانی و کروبی از یک طرف با خامنه ای و احمدی نژاد دعوی بین دو باند مافیایی قدرت و ثروت است که هیچ ربطی به منافع شما ندارد آنوقت راه رهنایبخش واقعی را یافته و جرات صعود به قله های رهانی را به خود خواهید داد

اگر بدانید که علت شرکت امثال خاتمی، کروبی و موسوی در تظاهراتها، دفاع از منافع شما نیست بلکه در دفاع از منافی باندی است که از قدرت رانده شده و عمیقا نگران آینده کل نظام فاشیست جمهوری اسلامی است، آنوقت بهتر اهداف محدود و روشهای سازشکارانه شان را خواهید فهمید و امید را از آنها بریده و به قدرت لایزال و ابتکارات و استعداد های تهمی ناشدنی خودتان تکیه خواهید کرد. اگر دریابید که اینان چگونه با تکیه به فداکاری شما می خواهند سهم خود را از قدرت باز پس گیرند و مهمتر از آن با کنترل و مهار خیزش شما کل نظام را از زیر ضرب مبارزات قهرمانانه شما خارج کنند؛ آنزمان بهتر درمی یابید که چرا موسوی شما را فرا می خواند که به "قانون اساسی جمهوری اسلامی و ساختارهای آن" وفادار باشید و در مقابل کشتار روزمره باند احمدی نژاد کاری نکنید و "اصل امتناع از خشونت" را بکار بگیرید. بهتر در می یابید که چرا بخشهایی از وزرات اطلاعات - یعنی قاتلان بهترین دختران و پسران این جامعه - در ستاد موسوی مسئولیت سازماندهی انتظامات را بر عهده گرفته اند و سعی می کنند مانع از سر دادن شعارهایی چون مرگ بر خامنه ای شوند.

دختران و پسران جوان
!بجنگید! ولی با چشمانی باز و برای اهداف بزرگ بجنگید!

نماد موسوی شعار الله اکبر و رنگ سبز است. بسیاری از شما گمان می برید این نماد برای اتحاد شما ضروریست. اما این نماد قبل از هر چیز نماد جامعه ای است که موسوی تحقش را به شما وعده می دهد. یعنی همان جمهوری اسلامی با !اصلاحاتی ناچیز اما تحکیم شده و قوی تر. خود را گول نزنید این است هدف واقعی موسوی

آیا شما واقعا خواهان چنین جامعه ای هستید؟ آیا می ارزد دوباره برای احیا چنین جامعه ای این همه فداکاری و از خود گذشتگی کنیم؟ چرا این همه فداکاری و از خودگذشتگی را در خدمت اهداف بس عالیتز و بزرگتر قرار ندهیم؟ چرا برای جامعه و آینده ای بنیادا متفاوت مبارزه نکنیم؟ جامعه ای که عاری از ستم و استثمار باشد. جامعه ای که در آن همگان با اشتراک و تعاون با یکدیگر کار می کنند. جامعه ای که برابری زن و مرد جزو اصول بدیهی آن باشد. جامعه ای که در آن صحنه های زیبا همکاری و همدلی و همراهی که در نبردهای مشترک امروزی مان به چشم می خورد نهادینه شود. جامعه ای که شاهد خمودگی و سکون نباشد بلکه همواره سرزنده و شاداب و فعال باشد
آیا در هنگامه آتش و خون و نبرد نباید به این قبیل موضوعات فکر کنیم و بر سرش با یکدیگر به بحث و گفتگو پردازیم. درگیر شدن با این موضوعات است که به میزان تعیین کننده ای آینده خیزش کنونی ما را تعیین می کند. اینکه بدانیم چه نوع جامعه ای می خواهیم و چگونه باید آنرا بدست آوریم و چه ابزارهایی برای ایجادش لازم داریم. اینکار در گرو آن است که افق و چشم انداز و تعهد کمونیستی در سطح گسترده ای با خشم و نبرد امروزی شما نسبت به این حاکمیت قلدز و متقلب پیوند خورد. این تنها طریقی است که مانع از به هدر رفتن تلاشهای ما در این مقطع حساس تاریخی خواهد شد و مانع از قاتی شدن صف دوستان و دشمنان ما خواهد شد.

!آگاهی سیاسی خود را بالا ببریم! و به بحث در میان مردم وسیعا دامن زنیم
از پیشروترین زنان و مردان جوان هر محله، کارخانه، دانشگاه هسته های انقلابی سازمان دهیم تا
اطلاعیه های افشاگرانه و آگاه گرانه خود را در سطح وسیع در میان مردم پخش کنند و مردم را به فعالیتهای مبارزاتی
!گوناگون دعوت کنند

(حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائونیست
خرداد 30 1388

WWW.SARBEDARAN.ORG

!در پخش گسترده اطلاعیه های حزب ما را یاری دهید